

پیامدهای جنگِ غزه

شبه‌هنگ راد

آنچه به مدت ده ماه به سر مردان، زنان و کودکان بی‌پناه و بی‌دفاع در غزه آمده است، مورد قبول هیچ انسان آزادیخواه نیست. اخبار و تصاویر پخش‌شده از سوی این یا آن بسیار تکان‌دهنده و غم‌انگیز است. پس هراندازه از آنجا گفته و مخابره می‌شود، به‌دوراز حقیقت نیست. برای اینکه بعد توحش زیاده‌خواهان و زورگویان بسیار زیاد و نا پایان شده است. دولت‌ها و دسته‌های ارتجاعی به یاری قدرت‌مداران بزرگ بین‌المللی مردم را در میدان‌های تنگ و باریک و آن‌هم بدون کمترین امکانات اولیه زندگی همچون آب، نان، برق و سرپناه به حال خود رها کرده‌اند تا سیاست‌های جنگی و تخریب‌آمیز از پیش‌از پیش خانه آن‌ها را پی گیرند؛ نسلی را کُشته و بر شانه‌های نسل‌های بعداز آن، انبانی از معضلات و مشکلات روحی و روانی اضافه کرده‌اند تا دنیا را بر پایه میل و رغبتشان سازمان دهند.

یقیناً روایت جنگ را می‌شود برحسب تمایلات سیاسی خود تعریف کرد، اما ثمره و تأثیرات مخرب آن را نمی‌شود، نشنید، یا نادیده گرفت. کسی [حتی نهادها و ارگان‌های وابسته به طبقه سرمایه‌داری] منکرِ اوضاعِ دردناک غزه نیست؛ کسی در ظاهر [منظور دولت‌ها و حکومت‌مداران] به جنایات اسرائیلیان در حق مردم غزه صحنه نمی‌گذارد، اما در خلوت با اطلاعات رسانی و با ارسال سلاح‌های مخرب و مرگبار، عملاً در جبهه دولت اسرائیل و پس زدن مردم غزه از سرزمین موطنی‌شان هستند. پس قضاوت پیرامون حال و احوال این روزهای مردم غزه، و متعاقباً درک سیاست‌جانیان و عاملان سرکوب همچون دولت امریکا و دیگر شرکای ذینفع جنگ دشوار نیست، مگر آنکه در خلاف حقیقت قرار گرفت. هزاران کُشته، زخمی، مفقود، آواره و معلول نتیجه سیاست‌های امپریالیستی در قبال زندگانی بیش از دو میلیون توده محروم غزه است. بر اساس گزارش سازمان ملل تاکنون بیش از 40 هزار نفر کُشته و 200 هزار نفر زخمی شده‌اند؛ تا به حال نوار غزه بیش از 4 میلیون تن آوار بر جای گذاشته است که هزینه آواربرداری آن حدود 600 میلیون دلار برآورد شده است؛ نیز بازسازی همه خانه‌های ویران‌شده تا سال 2040 ادامه و 40 میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. به دنبال بانک جهانی اعلام کرده است 1 میلیون نفر در باریکه غزه فاقد مسکن هستند و 75 درصد آواره شده‌اند و بیش از نیمی از ساکنان آن در آستانه قحطی قرار دارند.

به‌طور قطع آمار و ارقام فوق تنها گوشه هرچند کوچک و ناکامل از اتفاقات نزدیک به یک سال جنگ بی‌وقفه در نوار غزه است و شوربختانه و از قرائن پیداست که دور فعلی حاضر به بازایستادن نیست. فراتر اینکه دامنه تنش‌های سیاسی دارد نماد خود را در تخریب خانه‌های بیش‌ازپیش مردم، درگرفتن جان هزاران کودک و زن در دیگر جوامع هم‌جوار [همچون لبنان] نشان می‌دهد. پیش‌تر آمده است این خواست و جنگ مردم و حامیان دنیای برابر نیست؛ آمده است دلیل اصلی این موضوع، تسلط به [منابع غنی \[گاز، نفت\]](#) و [فرمانروایی آبراه کشتی‌رانی](#)؛ [در غزه]، کنترل سیاسی بیش‌ازپیش منطقه، تصاحب زمین بیشتر و تداوم شهرک‌سازی در مناطق اشغالی فلسطین توسط راست‌ترین عناصر دولت اسرائیل هست. در چنین چهارچوبی کُشته‌شدن و خراب کرده‌اند تا سیاست‌های جنگ‌طلبانه و غارتگرانه خود را دنبال کنند؛ انسان‌های بی‌دفاع را در میدان‌های بدون پشت‌وپناه گیر داده‌اند و آن‌چنان جنایاتی در حق آنان مرتکب شده‌اند که تا ابد بر دوش باقی‌ماندگان و انسان‌های آزادیخواه سنگینی خواهد کرد؛ به بهانه مبارزه با داعش و حماس و دیگر دار و دسته‌های دست‌ساز و ارتجاع، دنیا و مناطق محروم را مورد یورش قرار داده‌اند تا مانع رشد و نضج جنبش‌های اعتراضی و رادیکال گردند.

عجب حکایت و مصیبتی شده است که هیچ نهاد و دولتی عملاً طرف مردم غزه نیست. نشست‌های تداوم دار و تصویب قطعنامه‌ها یکی پس از دیگری از سوی سازمان ملل و حقوق بشر هم نه تنها بکار نیامده بلکه یکبار دیگر به این حقیقت صحنه گذاشته است که نهادها و سازمان‌های دست‌سازشان، از خودشان و از حامیان نظام امپریالیستی و دولت‌های سرکوبگر و وابسته‌ای همچون دولت اسرائیل هستند. چطور می‌شود خیرهای غمانگیز را خواند و نیز صحنه‌های دلخراش روزانه را مشاهده کرد و به تنفر خود نسبت به بانیان وضعیت کنونی نیفزود؟ چطور می‌شود جوانان و کودکان [آن‌هم به‌عنوان آینده‌سازان جامعه انسانی] را از حیات و هستی‌شان محروم کرد و آنوقت صحبت از انسانیت و دفاع از حقوق آنان بمیان آورد؟ چطور می‌شود بیمارستان‌ها و مدارس را مورد هدف قرارداد و در همان عین حرف از آزادی و حقوق برابر انسان‌ها زد؟

در یک‌کلام همه آن‌ها ریاکار، کلاش و دروغ‌گو هستند و در عمل نشان داده‌اند ذره‌ای به فکر جوانان، کودکان و بی‌سرپناه‌ها، آسایش و زندگی آرام بشریت نیستند؛ همه‌شان نشان داده‌اند سوار در قطار واحد هستند و کمترین تفاوتی از همدیگر ندارند. شروع جنگ‌های تازه و تداوم آن به قیمت از بین بردن زیرساخت‌های دو، سه، چهار، پنج کشور و خلاصه گشتار ده‌ها میلیون مردم سرتاسر جهان، به وظایف روزانه و روتینشان تبدیل و کاملاً محرز شده است از این طریق قادر به حکومت‌داری هستند. ظاهراً از یک‌طرف خواهان پایان جنگ و از طرف دیگر [عملاً] در پی حمایت بیش‌ازپیش سیاسی و نظامی دولت اشغالگر اسرائیل هستند. سلاح‌های گشونده و رنگارنگ به منطقه سرزیر کرده‌اند تا به خیال خود جامعه اطراف را از شر نهادها، دسته‌های مسلح و وابسته رها کنند! سیاست زهرآلودی که، از دیرباز فضای بخش‌های متفاوت جهان را احاطه کرده است و بی‌سبب نیست، جهان غرق در جنگ‌های ارتجاعی مطابق با منفعت کمپانی‌های تسلیحاتی و سودجویان شده است. نمونه‌ها در این خصوص زیاد هستند و واضح‌تر اینکه عوارض و اثرات مخرب آن‌ها را می‌شود در زیرساخت‌ها و در فضای جوامع کم‌درآمد از امریکا، آلمان، انگلستان و فرانسه گرفته تا کشورهای وابسته و درگیر جنگ همچون عراق، افغانستان، لیبی، یمن، لبنان، اسرائیل و امثالهم مشاهده کرد. بناب گزارش رسانه‌های جمعی از زمان چرخه جدید جنگ در سرزمین‌های اشغالی [غزه]، بیش از 46000 شرکت در اسرائیل ورشکسته شده‌اند، صنعت توریسم و گردشگری تا حد بسیار زیادی متوقف شده که برابر با 9.5 میلیارد دلار یعنی تقریباً شامل 2 درصد درآمد ناخالص ملی اسرائیل است. همچنین بناب گزارش رویترز اقتصاد اسرائیل در سال گذشته به میزان 5 درصد کاهش داشته که از اکتبر سال گذشته به 19 درصد رسیده است؛ بیشتر اینکه 1 میلیون نفر به دلیل ترس و وحشت از موشک‌پرانی مدافعین جنگ‌های ارتجاعی، از اسرائیل خارج شده‌اند و بیش از 500 هزار نفر از فلسطینیان در بخش ساختمان‌سازی کارشان را به دلیل سیاست‌های ضد انسانی از دست داده‌اند.

از این‌رو جنگ به یکی از رکن‌های اساسی نظام امپریالیستی و دولت‌های وابسته و همچنین از زمره سیاست‌بنیادین صاحبان تسلیحات، راه و ساختمان‌سازی تبدیل شده و در چنین چارچوبی برنامه‌نویسان اصلی جنگ، بازیگران سیاسی را پیشاپیش انتخاب و سازمان می‌دهند تا دست جناح‌های رقیب را از ثروت‌های جوامع سرشار از منابع طبیعی کوتاه کنند؛ جنگ‌های ارتجاعی که متأسفانه روزبه‌روز دارد پهنه آن گسترده و گسترده‌تر می‌شود و زندگی مردم را تباه‌تر می‌کند. دهه‌هاست پهنه جهان غرق در جنگ‌های ارتجاعی شده است، برای اینکه هیچ سازمان، نهاد و دسته مقابل دولت‌های امپریالیستی بطور سازمان‌یافته حضور ندارد و بی‌سبب نیست که بانیان آن [دولت‌های امپریالیستی] کمترین ترس و اضطرابی از تغییر ساختار اقتصادی حاکم در جامعه ندارند. نظر به اینکه سواها معین، منفعت‌ها مشخص و سازمان‌های پیش‌برنده جنگ انتخابی هستند. پس هیچ راه دررو از وضعیت فعلی وجود ندارد مگر آنکه به پائین تکیه کرد و سازمان و نهاد وابسته به پائین را شکل داد. آنوقت مجال

برای تغییر شرایط جنگ مطابق با منافع طبقه سرمایه‌داری فراهم، و مهم‌تر اینکه زمینه برای بهبود ساختار معادل با منفعت سازندگان اصلی جوامع بشری ممکن خواهد شد.

26 آگوست 2024

5 شهریور 1403